

فهرست مطالب

- ۹..... □ مقدمه مترجم
- ۱۴..... □ پیشگفتار بروی راست بازنگری شده
- ۱۷..... □ مقدمه
- ۱۹..... فصل اول: بافت تاریخی
- ۱۹..... ۱. موقعیت بین المللی
- ۲۲..... ۲. زندگی در شبه جزیره عربی
- ۳۱..... ۳. شرح حال حضرت محمد
- ۳۹..... فصل دوم: تجربه پیامبری حضرت محمد
- ۳۹..... ۱. انتقادهایی بر ادعای پیامبری
- ۴۲..... ۲. توصیف های قرآنی از وحی و پیامبری
- ۵۰..... ۳. برداشتی از نقش پیامبرانه
- ۵۶..... ۴. کتابت قرآن
- ۶۹..... فصل سوم: تاریخ متن
- ۶۹..... ۱. جمع و تدوین قرآن
- ۷۴..... ۲. نسخه های پیشاعثمانی
- ۷۷..... ۳. کتابت قرآن و تحقیقات متن شناسانه متقدم

۴. وثاقت و کمال قرآن..... ۸۲

فصل چهارم: صورت ظاهری قرآن..... ۹۱

۱. نام و تقسیمات مناسکی قرآن..... ۹۱

۲. سوره‌ها و آیه‌ها..... ۹۲

۳. حروف اسرار آمیز..... ۹۷

۴. شکل دراماتیک/خطاب قرآن..... ۱۰۱

فصل پنجم: وجوهی از سبک قرآنی..... ۱۰۷

۱. سجع‌ها و قطعه‌های آهنگین..... ۱۰۷

۲. شکلهای مختلف تعلیمی..... ۱۱۶

۳. زیان قرآن..... ۱۲۶

فصل ششم: شکل یابی قرآن..... ۱۳۱

۱. نظریهٔ نسخ و امکان بازنگری..... ۱۳۱

۲. شواهدی از بازنگری و تغییر..... ۱۳۵

۳. فرضیهٔ بل در خصوص اسناد مکتوب..... ۱۵۵

فصل هفتم: گاه‌شماری قرآن..... ۱۶۶

۱. دیدگاههای سنتی اسلامی در خصوص تاریخ‌گذاری..... ۱۶۶

۲. نظریه‌های اروپائی دربارهٔ تاریخ‌گذاری..... ۱۶۸

۲. رنجیرهٔ اندیشه‌ها به مثابه راهنمایی برای گاه‌شماری..... ۱۷۴

فصل هشتم: اسامی پیام و حیانی..... ۱۸۳

۱. آیات/نشانه‌ها..... ۱۸۴

۲. داستانهای عذاب/المثانی..... ۱۹۱

۳. قرآن..... ۲۰۳

۴. کتاب..... ۲۱۱

۲۱۵..... ۵. نامهای دیگر.....

۲۲۰..... فصل نهم: آموزه‌های قرآن.....

۲۲۰..... ۱. آموزه خدا.....

۲۲۷..... ۲. موجودات معنوی دیگر.....

۲۳۱..... ۳. نبوت؛ ادیان دیگر.....

۲۳۴..... ۴. اعتقاد به روز داوری.....

۲۴۰..... ۵. دستوراتی برای زندگی امت.....

۲۴۷..... فصل دهم: تحقیقات اسلامی و قرآن.....

۲۴۷..... ۱. ترجمه و تفسیر.....

۲۵۱..... ۲. متکلمان.....

۲۵۵..... فصل یازدهم: قرآن و تحقیقات غربی.....

۲۵۵..... ۱. ترجمه‌ها و تحقیق‌ها.....

۲۶۶..... ۲. مسائل پیش روی محقق غیرمسلمان.....

۲۷۳..... □ فهرست برخی از منابع.....

۲۷۴..... □ نمایه.....

مقدمه مترجم

این کتاب حاصل درسگفتارها و تحقیقات ریچارد پل (۱۸۷۶-۱۹۵۲) است که ابتدا پس از مرگش در ۱۳۳۲/۱۹۵۳ش با عنوان آشنایی با قرآن^۱ توسط انتشارات دانشگاه ادینبورو منتشر شد.^۲ او در این کتاب مطالعه‌ای نسبتاً فراگیر و انتقادی از سبک و محتوای قرآن ارائه کرد. سپس ویلیام مونتگمری وات،^۳ شاگرد ممتاز او، به پیشنهاد همان ناشر ویراستی جدید از کتاب در ۱۳۴۹/۱۹۷۰ش آماده و با عنوانی جدید منتشر کرد^۴ و سالها یکی از متون درسی دانشگاههای اروپایی و آمریکایی در شناخت قرآن بود. خود وات شرح تغییراتش را در پیشگفتار بیان کرده است. ویراست وات با عنوان درآمدی بر تاریخ قرآن پیش از این توسط آقای بهاء الدین خرمشاهی به فارسی ترجمه و در مرکز ترجمه قرآن به زبانهای خارجی (قم ۱۳۸۲ش) منتشر شده است. در سال ۱۳۹۸، متن انگلیسی کتاب را در مؤسسه پویاواژه برای جمعی از علاقمندان تدریس می‌کردم. در تدریس نیمه اول کتاب درسها حضوری بود و با همکاری دوست دانشورم متخصص آموزش زبان انگلیسی، آقای مجتبی ابراهیم زاده غیث، برقرار می‌شد. یک کلاس با دو مدرس، تجربه‌ای عالی و درس آموز. اما از اسفند ۱۳۹۸ با شیوع ویروس کرونا، نیمه دوم کتاب را غیرحضوری و به تنهایی

1. *Introduction to the Qur'an*

۲. این اثر در این پایگاه دست‌یافتنی است:

<https://archive.org/details/in.gov.ignca.962/page/n15/mode/2up>

3. William Montgomery Watt (1909-2006)

4. *Bell's Introduction to the Qur'an*: completely revised and enlarged by W. Montgomery Watt

تدریس کردم. به مناسبت این تدریس، ما به ترجمه استاد خرمشاهی با هدف مقایسه با متن اصلی و تحقیق در زوایای متن مکرر مراجعه می‌کردیم. حاصل این مراجعات این شد که خوانندگان ترجمه استاد خرمشاهی با انبوهی از ابهامها و غلطها مواجه‌اند و به معنا و مفهوم نظریه‌های پل در باب نزول، جمع و تدوین قرآن، و به خصوص پیشنهادهایش در باب پیوستگی یا ناپیوستگی معنایی آیات دست نمی‌یابند. از این رو، بنا گذاشتم ترجمه‌ای دقیق و روان، تا جایی که ممکن است، به همراه توضیحات کافی در اختیار علاقمندان به مطالعات قرآنی قرار دهم. بخش عمده‌ای از این توضیحات با مراجعه به ترجمه انگلیسی ریچارد پل از قرآن^۱ و نیز تفسیر دو جلدی او، در حدود ۱۳۰۰ صفحه، ارائه شده است. این تفسیر که حاصل چند میلیون فیش تحقیقاتی است با عنوان تفسیری بر قرآن^۲، از ابتدا تا انتها، سال‌ها بعد از مرگ پل در ۱۳۷۰/۱۹۹۱ ش به کوشش کلیفورد باسورث^۳ و مروین ریچاردسون^۴ در دانشگاه منچستر منتشر شد. آقای خرمشاهی در زمان ترجمه کتاب به این دو منبع علی‌الظاهر دسترسی نداشته‌اند و شاید بخشی از ابهامها به همین دلیل باشد.

در این جا، برای روشن شدن اهمیت این کتاب کلاسیک در مطالعات قرآنی، فقط به دو فرضیه/نظریه از نظریه‌های ریچارد بل اشاره می‌کنم تا خوانندگان رغبت و انگیزه کافی برای خواندن همه کتاب داشته باشند. یکی از مهمترین نظریه‌های پل در باب جمع و تدوین و کتابت قرآن فرضیه پشت نویسی است که تفصیل آن در فصل ششم آمده است.^۵ خلاصه‌اش این است که در کتابت قرآن برخی آیات پشت برخی دیگر نوشته می‌شدند و بعدها تدوین‌کنندگان اولیه ممکن است در جایابی آیات^۶، به رغم همه دقتی که

-
1. The Qur'an, Translated, with a critical re-arrangement of the Surahs, two vols. Edinburgh 1937 and 1939.
 2. A Commentary on the Qur'an
 3. Clifford Edmund Bosworth (1928–2015)
 4. Mervyn Edwin John Richardson (1943-)

۵. در این جا فرضیه و نظریه عامدانه به یک معنا به کار رفته است.

۶. یعنی در تشخیص این که آیه پشتی یا زیرین ادامه آیه رویی است یا به لحاظ معنایی با آیه رویی مرتبط است یا اصلاً آیه پشتی و زیرین ربطی به آیه رویی ندارند و صرفاً به دلیل کمبود مواد نگارشی (کاغذ به هر معنایی که تصور کنیم یا پاپيروس یا پوست و استخوان کتف حیوانات و امثال آن)، برخی آیات پشت برخی دیگر را در لایه زیرین نوشته می‌شدند و سپس پاک می‌شد و آیاتی جدید نوشته می‌شد.

به خرج می‌دادند، دچار اشتباه شده باشند. بِل برای فهم نا/پیوستگی معنایی آیات از این فرضیه در سراسر قرآن بهره گرفت و در ترجمه‌اش از قرآن اعمال کرد. هم تاریخ‌گذاری‌ها و هم پیشنهادهای بِل مبتنی بر تحلیل هر سوره است، تحلیلی که معلول تقسیم یک سوره به اجزای تشکیل دهنده آن است و در فهم نا/پیوستگی معنایی آیات بسیار تأثیرگذار. تحقیقات جدیدتر درباره تاریخ‌گذاری قرآن، به ویژه آنها که با روش آزمایش کرین ۱۴ روی پوست و مرکب انجام شده است، همین طور کاوش‌های باستان‌شناختی و کشف برخی نسخه‌های خطی از متن قرآن در صنعا و جاهای دیگر، و یافتن کتیبه‌هایی در عربستان، احتمالاً متعلق به قرن اول، به فرضیه پشت‌نویسی بِل، تا آنجا که می‌دانم، کمکی نکرده است و شاید حتی برخی شواهد او را باطل یا تضعیف کرده باشد. اما اگر حتی فرضیه او را به کلی نپذیریم، پیشنهادهایش در جایابی آیات، فهم معنای متن، و درک نا/پیوستگی معنایی آیات، چنان که خواهیم دید، قابل توجه‌اند و چشم خواننده را به بسیاری از نکته‌ها باز می‌کند. البته در این کتاب موارد اندکی از این پیشنهادها آمده ولی تفصیل آنها در ترجمه بِل از قرآن دست‌یافتنی است. ممکن است برخی گمان کنند چون شواهد جدید فرضیه پشت‌نویسی بِل را تأیید نمی‌کند پس می‌توان به کلی تلاش‌ها و دستاوردهای او را در جایابی آیات نادیده گرفت. اما چنین نیست، زیرا اولاً همیشه این قاعده صحیح نیست که اگر شواهد مبنایی نظریه‌ای دلالت خود را از دست بدهند، یا به تعبیر مسامحه‌ای شواهد نظریه‌ای باطل شوند، نتایج برآمده از آن هم باطل می‌شود. موارد متعددی در علوم طبیعی و ریاضی هست که مبنایی باطل شده ولی بنا، یا نتایج برآمده از آن، باقی مانده است و همچنان کاربرد دارد. بهترین نمونه‌های چنین اتفاقی نظریه ذات‌گرایی ارسطو در فلسفه و فیزیک و نظریه زمین مرکزی بطلمیوس در علم هیئت است که در هر دو با این که شواهد مبنای آن دست‌رفته ولی بنا یا نتایج برآمده از آن هم چنان معتبر باقی مانده و دارای کاربرد است. ثانیاً نتیجه تلاش بِل اکنون در اختیار ماست و هر کس با قرآن سروکار دارد می‌تواند پیشنهادهای بِل را به آزمون بگذارد و میزان نا/پیوستگی معنایی آیات را در فرض اعمال پیشنهاد و در فرض عدم اعمال آن بسنجد.

نظریه اصلی دیگر بِل در باب تدوین قرآن این است که او مصحف کنونی را دارای سه قسمت و متعلق به سه دوره زمانی حیات حضرت محمد (ص) می‌داند. دوره اول، آیات هشداردهنده فرارسیدن زود هنگام قیامت و حاوی نشانه‌هایی از وقوع چنین روزی است.

او این آیات را متعلق به دوره اول می‌داند و آنها را «آیات متقدم» می‌خواند. دوره دوم به تعبیر او «دوره قرآن» است که از اواخر دوره مکه شروع و تا پایان جنگ بدر خاتمه می‌یابد. فهرست این آیات در فصل هشتم آمده است. داستان‌های پندآموز مانند داستان یوسف، نه داستان‌های عذاب هفت قوم اصلی یا سبع مثنائی، متعلق به دوره قرآن هستند. به نظر بل معنای خود کلمه «قرآن» در قرآن دچار تحولاتی شده است و می‌تواند هم به معنای یک آیه کوتاه باشد و هم به معنای مجموعه کاملی از وحیها. از این رو، به هیچ وجه بعید نیست که معنای میانه‌ای هم داشته باشد، یعنی، مجموعه‌ای از آیات مناسب خواندن در شعائر و مناسک به قصد عبادت و، به این معنا، قرآن عربی [قرآناً عربیاً] در برابر قرآن شریانی و قرآن‌های دیگر قرار می‌گیرد. دوره سوم «دوره کتاب» است که علاوه بر اشاراتی به سیره و شرح حال پیامبران شامل داستانهای سبع مثنائی می‌شود. جمع اینها زیر نظر خود حضرت محمد (ص)، در نظر بل، مصحف کنونی را می‌سازند. این فرضیه بل در خصوص دوره‌ای به نام "دوره قرآن"، که شایسته توجه بیشتری از طرف محققان است، مبتنی بر تحقیق درباره قرآن با همه جزئیات آن است و دربردارنده ملاحظاتی بسیار جدی.

در پایان این مقدمه چند نکته گفتنی است. اول، این کتاب برای متخصصان علوم قرآنی است و همه پیشنهادها درباره جایابی آیات از باب تحلیل ادبی یک متن کلاسیک است و نباید با آن مواجهه‌ای اعتقادی و کلامی داشت. دوم، ترجمه فارسی پیشنهادی و برای فهم بهتر معنای متن قرآن عناوین کتابهای لاتین با علامت < و افزوده‌های توضیحی و انتقادی مترجم در متن به خصوص افزودن متن آیات قرآن با کروش [] و در پانویس با علامت (م) مشخص شده‌اند تا برای خواننده مقصود مؤلف بهتر دانسته شود. در همه متن برای تکریم و احترام به مقام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و صحبه المنتجبین کلمه «حضرت» بدون استفاده از کروش افزوده شده است. سوم، منابع به تبع متن اصلی کتاب فقط در پانویسها آمده‌اند ولی در عین حال در انتها فهرستی از منابع پربسامد و اختصارات وجود دارد. چهارم، از کسانی به حکم وظیفه لازم است در اینجا سپاسگزاری کنم. از جناب استاد مجتبی ابراهیم زاده غیاث برای همکاری و مشارکت در نوشتن آیات قرآن غالباً از این پایگاه سودمند استفاده کردم و همین جا سپاسم را به مؤسس آن ابلاغ می‌کنم.

تدریس نیمه اول کتاب و طرح نکته‌های سودمند زبانی، از علاقمندان حاضر در کلاس که با توجه به درس و با طرح نقدهایشان فضایی علمی و فرحبخش به وجود می‌آوردند و به من می‌آموختند، از آقای علیرضا سید تقوی برای خوانش نهایی متن و ارائه پیشنهادهاى مؤثر، و از آقای اکبر قنبری، مدیر محترم انتشارات نگاه معاصر، برای آماده‌سازی و انتشار این اثر بسیار سپاسگزارم و خود را مدیون همه این همکاران می‌دانم. با این همه، مسئولیت هر اشتباهی بر عهده مترجم است. امیدوارم خوانندگان از خواندن این اثر کلاسیک بهره‌مند شوند و لذت ببرند.

سعید عدالت نژاد

مهر ۱۴۰۲

پیشگفتار بر ویراست بازننگری شده

هنگامی که اولین بار پیشنهاد ویراستی بازننگری شده از آشنایی با قرآن بل در بحث با مدیریت انتشارات دانشگاه ادینبور و مطرح شد، با این اندیشه جذب این پیشنهاد شدم که می‌توانم در جهت حفظ تأثیر محققى بزرگ کاری کنم، و با توجه به موفقیت شاگردان تئودور نولدکه^۱ در بازننگری و تداوم اثر او جرأت پیدا کردم. اما این وظیفه، چنان که زود دریافتم، بدون مشکل نبود. ریچارد بل برای من استاد بسیار محترمی بود که بسیاری از علوم عربی را نزد او یاد گرفتم و او همان کسی بود که مرا در تهیه رساله‌ای راهنمایی کرد که سرانجام با عنوان <اختیار و جبر در صدر اسلام>^۲ منتشر شد. در خصوص یکی دو نکته، اما، نظریه‌های او را درباره قرآن نتوانستم بپذیرم، چنان که در مقاله «تاریخ‌گذاری قرآن: مروری بر نظریه‌های ریچارد بل»^۳ نشان داده‌ام. در نتیجه ظاهراً بهتر بود که، با پیروی از الگوی کار فردریک شوالی^۴، به نام خودم در سراسر کتاب سخن بگویم و از بل با ضمیر سوم شخص یاد کنم، به ویژه در مواردی که با او مخالف بودم. خالصانه‌ترین تقدیر از چنین محققى به این است که نظرات او را جدی بگیریم و آنها را صادقانه نقد کنیم. امیدوارم این نسخه بازننگری شده نسلی جدید از محققان را قادر کند اهمیت تحلیل دقیق بل از قرآن را بفهمند.

به رغم این واقعیت که من به نام خودم سخن می‌گویم و این واقعیت که بندهای کمی

-
1. Theodor Nöldeke
 2. *Free Will and Predestination in Early Islam*
 3. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 1957, 46-56.
 4. Friedrich Schwally

بدون تغییر جزئی باقی مانده‌اند، هسته این کتاب هم‌چنان اساساً اثر بل است. هرچند بخش‌هایی از حوزه مرتبط با سیره حضرت محمد را کاویده‌ام، و اینجا و آنجا به مسائلی که بل طرح کرده بود نگاهی انداخته‌ام، هیچ تحقیقی خاص در تهیه این نسخه بازنگری شده نکرده‌ام. افزوده‌ها غالباً موضوعاتی ابتدایی‌اند که ظاهراً مناسب چنین «آشنایی»‌اند، مانند فهرست منابعی گسترده‌تر. همچنین کوشیده‌ام مطالب را منطقی‌تر بچینم. برای این باورم که متن اصلی بل بر درسگفتارهای او در خطاب به دانشجویانش مبتنی بوده است، و او پیش از مرگش وقتی کار نگارش برایش سخت شده بود با اندکی بازنگری آنها را یک جا جمع کرد.

یک تغییر اساسی در شکل بیان پسندیده به نظر رسیده است. بل در سخن گفتن از قرآن، حداقل در آشنایی، به پیروی از پیشینیان اروپائی‌اش آن را تألیف حضرت محمد می‌داند. اما نکته‌های متعددی که او بر این مطرح کرد مرا به این اندیشه رساند که بل باید با دیدگاهی که من درباره پیامبری محمد بیان کرده‌ام، به خصوص اخیراً در کتاب *ح‌وحی اسلامی در دنیای جدید*^۱، تا اندازه زیادی همدلی پیدا کرده باشد. با توجه به افزایش قابل ملاحظه مواجهه مسلمانان و مسیحیان در خلال ربع قرن اخیر، برای محقق مسیحی ضرورت دارد که خوانندگان مسلمان را بی‌جا آزرده خاطر نکند، بلکه تا آنجا که ممکن است ادله خود را به شکلی که مقبول آنان باشد ارائه کند. دیدگاه مؤدبانه و احترام‌آمیز اکنون بر ما حکم می‌کند که از قرآن به عنوان محصول ذهن خودآگاه حضرت محمد سخن نگوییم؛ اما معتقدم که از خلال تحقیقات خوب هم همین نظر برمی‌آید. از این رو، همه تعبیر متضمن این که حضرت محمد مؤلف قرآن بوده، از جمله مواردی که در آنها سخن از «منابع» او یا «تأثیرات» بر او رفته است، تغییر داده‌ام یا حذف کرده‌ام. از سوی دیگر، بر این باورم که در سخن گفتن از «تأثیرات» جهان بیرونی بر محیط عربی موحیم و همین طور در توجه به «تحول» در نگاه جامعه مؤمنان؛ و چنین تحولی احتمالاً مستلزم این است که در موضوع وحی با گونه‌ای تغییر تأکید مواجه شد.

یک ویژگی نو نمایه بر قرآن است. من در کار خودم ارزش فراوان برای نمایه قائل‌ام، از جمله برای نمایه‌ای که وایتبرشت اشتانتن بر اثرش آموزه‌های قرآن (لندن، ۱۹۱۹) زده

1. *Islamic Revelation in the Modern World*

2. H. U. Weitbrecht Stanton, *Teaching of the Quran* (London, 1919).

است، و کوشیده‌ام تا چیزی شبیه آن تولید کنم، اما بیشتر مطابق با نظر و استفاده‌های امروزی آن.

حروف و آوانگاری کلمات عربی در اصل تابع نظام دومین ویرایش دائرة المعارف اسلام (۱۹۶۰- [۲۰۰۴]) است با سه تغییر. دو تای از آنها نزد بیشتر عرب‌شناسان بریتانیایی مأنوس‌ترند، یعنی استفاده از کیو (q) برای ق به جای (k) و استفاده از (j) به جای (dj) برای ج. سومین تغییر حاوی گونه‌ای نوآوری است. این تغییر جایگزین کردن حروف مرکبی است که استفاده شده تا نشان دهد وقتی بناست دو حرف (صامت) جدا از هم تلفظ شوند با یک آپستروف همراه می‌شوند. این بدین معناست که th, sh, kh, gh, dh, با هم تلفظ می‌شوند؛ اما هر جا بین آنها آپستروف باشد، مانند ad'ham ادهم، جدا تلفظ می‌شوند. آپستروف در این کاربرد حاکی از بی‌صدایی است، اما از آن جا که فقط بین دو صامت (که دومی آنها h است) قرار می‌گیرد، با آپستروفی که نشان همزه است اشتباه نمی‌شود، همزه هیچگاه بین دو مُصَوِّت قرار نمی‌گیرد.

در نشانی آیات، هر جا که شماره آیه در نسخهٔ فلوگل^۱ با نسخهٔ معیار رایج مصری تفاوت دارد، شماره فلوگل بعد از یک اسلش آمده است. در این حالت، اعداد صفر تا نه تکرار نمی‌شوند جز در اعداد ۱۰ تا ۱۹ (جایی که باید ۸/۱۲ را از ۱۸/۱۲ تمییز داد).^۲ من مدیون آقای آلفرد تی. ولش برای بازنگری در فهرست سوره‌ها و برای نکته‌های کلی بسیار ارزشمند و همین‌طور مدیون خانم هلن پرات برای تایپ بخش وسیعی از متن با دقت بالا و نه برای نمایهٔ قرآن هستم.

ویلیام مونتگمری وات

1. Gustav Flügel (1802-1870)

۲. مترجم در متن از نشانی رایج در مُصحف موجود استفاده کرده است. (م)

مقدمه

کتابهای اندکی توانسته‌اند مانند قرآن تأثیری عمیقتر و وسیعتر بر روح آدمی بگذارند. قرآن نزد مسلمانان وحی‌ای است از سوی خدا. قرآن در مراسم عبادی جمعی و شخصی استفاده، و در مراسم و دوره‌های خانوادگی قرائت می‌شود. قرآن پایه باورهای دینی، مناسک، و شریعت مسلمانان است؛ راهنمای کردار آنان در خلوت و جلوت. قرآن اندیشه‌های آنان را شکل می‌دهد، تعبیرهایش در ادبیات و گفتگوهای روزمره وارد شده است. پس کتابی که مورد تکریم [یک میلیارد و] چهار صد میلیون خواننده است ارزش توجه دارد. همچنین نیازمند پژوهش جدی است؛ زیرا کتابی است که به هیچ وجه فهم آن آسان نیست. قرآن نه رساله‌ای است در باب الاهیات، و نه مجموعه‌ای است از فروع فقهی، و نه مجموعه‌ای از مواظ اخلاقی، بلکه گلچینی است از هر سه، به همراه چیزهای دیگر در درون آن. "نزول" آن در دوره‌ای بیش از حدود بیست سال طول کشید، در دوره‌ای که حضرت محمد از جایگاه یک مصلح دینی ناشناخته در موطنش مکه به حاکم بالفعل مدینه و بیشتر شبه جزیره عربی ارتقا یافت. از آنجا که قرآن اوضاع و احوال، نیازها، و اهداف متحول شونده مسلمانان را در طی این سالها بازتاب می‌دهد، به طور طبیعی سبک و محتوای آن، و حتی تعلیماتش، بسیار متفاوت می‌شود. ترتیب آیاتش منسجم نیست، و اگر چه آن زبان عربی که با آن این متن مکتوب شده، به طور کلی، روشن است، آیات سختی هم دارد که معنایشان، همان طور که اعراب می‌گویند، فقط برای خدا فهمیدنی است.

یکی از مشخصه‌های نیمه دوم قرن بیستم افزایش فراوان مواجهه طرفداران ادیان

مختلف است. یک پیامد این مواجهه این است که دیگر برای محقق غربی امکان ندارد دربارهٔ ادیان آسیایی چنان حق به جانب بیاندیشد که در قرن نوزدهم می‌اندیشید. پیروان این ادیان الان متعلق به همان دنیای فکری هستند که محقق غربی به آن تعلق دارد و اگر در فهم و ستایش دین آنان به مثابهٔ یک دین ناکام بماند، آنان او را توییح خواهند کرد. اصطلاح «گفتگو» غالباً برای این نوع رابطهٔ جدید میان پیروان ادیان مختلف به کار می‌رود. اگرچه این اصطلاح مبهم است، مستلزم یک نگرش با تکریم، با اشاره به قرآن به طور خاص و به عنوان یک کتاب مقدس، و مستلزم احترام به باورهای مسلمانان دربارهٔ قرآن است، حتی اگر این باورها با یکدیگر مشارکتی نداشته باشند.

فصل اول بافت تاریخی

۱. موقعیت بین المللی

قرآن در اوایل قرن هفتم میلادی در شهرهای مکه و مدینه در غرب-مرکزی شبه جزیره عربی "نازل" شد. تقریباً همان زمان مُبَلِّغانِ سَنَتِ کُلْمَبَا^۱ ایمان مسیحی را برای اسکاتلندیها و ساکنان شمال انگلستان آورده بودند، در حالی که مُبَلِّغانِ آگوستین کانتربوری^۲ در شمال و نواحی غرب شهر کِنت^۳ پراکنده شده بودند. در فرانسه پادشاهان مِروینژی^۴ به حکومتی کاملاً صوری مشغول بودند. امپراطوری روم غربی تسلیم بربرها شده بود، اما روم شرقی یا امپراطوری بیزانس، که پایتختش در قُسطنطنیه بود، از حملات آنان در امان مانده بود. در دوره فرمانروایی یوستینین^۵ بیزانسیها به قدرت و تمدنی مستقر دست یافته بودند، اما در نیم قرن پس از مرگ او این تمدن، تا حدودی به دلیل حملات بربرها از بیرون، و تا حدودی به دلیل مشکلات داخلی و حاکمان بی کفایت، دچار آشفتگی شده بود.^۶

۱. Saint Columba (521-597) مبلغ ایرلندی در مناطقی که امروزه اسکاتلند خوانده می شود

2. Augustine of Canterbury (d. 604?)

3. Kent in UK

4. Merovingian Kings (r: 500-751)

5. Justinian (527-65)

6. Cf. Charles Diehl and Georges Marjais, *Le Monde Oriental de 395 a 1081*(Histoire

در شرق، بیزانس رقابتی جدی با امپراطوری پارس ساسانی داشت، که قلمرو آن از عراق و بین‌النهرین در غرب تا نواحی شرقی ایران و افغانستان امروز گسترده بود. پایتختش، تیسفون (مدائن)، شهری بود در بیست مایلی جنوب شرقی جایی که بعدها بغداد خوانده شد. نزاع میان این دو ابرقدرت بر تاریخ خاورمیانه در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم سایه افکنده بود. تا انتهای دوره یوستینین بر صلحی حدوداً پنجاه ساله توافق شده بود، اما بدان عمل نشد و آخرین جنگ طولانی مدت مرگبار از سال ۶۰۲ آغاز شد. خسرو پرویز دوم در ایران، با ملاحظه ضعف بیزانسیان به دشمنی رو آورد با این ادعا که بهانه‌اش انتقام از قتل موریس امپراطور بود، کسی که در آغاز سلطنت خسرو از او کمک دریافت کرد. فوکاس (۶۰۲-۶۱۰)، جانشین موریس، از دلمردگی و شورش موجود در قلمروش به ستوه آمده بود و در جایگاهی نبود که بخواهد حملات ایرانیان را متوقف کند. آسیای صغیر به تصرف درآمده بود. هراکلیوس، فرزند حاکم شمال آفریقا، در بدترین اوضاع بیزانس در سال ۶۱۰، با نیروی دریایی در برابر قسطنطنیه ظاهر شد. فوکاس برکنار و هراکلیوس به عنوان امپراطور تاجگذاری کرد. می‌توان گفت موج برگشته بود.

با این همه، مشکلاتی پیش روی بیزانس همچنان وجود داشت. ایالت‌های شمال اروپا را بربرها اشغال کرده بودند و سالها گذشت تا هراکلیوس توانست در قلمرو ایرانیها پیشروی کند. در این حال ایرانیها به جنوب رفتند و شام و مصر را در ۶۱۴ فتح کردند. سقوط اورشلیم پس از شورش برضد تجاوز ایرانیان، و در پی آن کشتار ساکنان، و یافتن صلیبی که اعتقاد بر این بود که صلیب واقعی است، احساسات مسیحیان را در سراسر امپراطوری بیزانس به غلیان درآورد، و هراکلیوس را قادر ساخت تا قوایش را بازیابد. او پس از مواجهه با آوارها،^۱ که قسطنطنیه را از شمال تهدید می‌کردند، در ۶۲۲ به مقابله با ایرانیان برآمد. او در رشته لشکرکشی‌هایی که به آسیای صغیر داشت موفقیت‌هایی به دست آورد، اما در ۶۲۶

Generale), Paris, 1936, 123-57.

۱. The Avars. امپراطوری مرغزار نشین در اروپای مرکزی تا سبیری از ۵۶۷ تا ۸۲۲ میلادی